

شام غریبان (۳)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين. السلام عليك يا أبا عبدالله و على الارواح التي حلت بفنائك، عليك مني سلام الله ابدأ ما بقيت و بقي الليل و النهار و لا جعله الله آخر العهد مني لزيارتكم. السلام على الحسين و على بن الحسين و على أولاد الحسين و على أصحاب الحسين عليهم السلام.

سر مبارک حضرت سيدالشهدا عليه السلام در منزل خولی

در ادامه بحث بخش‌های مرثیه بعد از شهادت امام حسین عليه السلام یعنی در آستانه شهادت و شام غریبان و حوادث بعد از شهادت به این گوشه می‌رسیم که یکی از گوشه‌ها و بخش‌های مرثیه بعد از شهادت حضرت، سر بریده امام حسین عليه السلام در منزل خولی است. نمونه‌ای که هم در تاریخ طبری و هم در انساب‌الاشراف ذکر شده است.

روایت است که عصر عاشورا عمر سعد، دو نفر از افرادش به نام حمید بن مسلم و خولی را مأمور بردن سر مبارک امام حسین عليه السلام به کوفه کردند (البته بعضی‌ها گفتند یک نفر بوده و آن هم خولی بوده است). این دو نفر سر را برداشتند. وقتی به در قصر رسیدند در بسته شده بود. لذا خولی سر را به منزلش برد و زیر دیگی مخفی کرد. خولی، دو همسر داشت که یکی از بنی‌اسد بود و زن دیگرش به نام «نوار بنت مالک بن نهار اقرب حضرمی» اهل یمن بود. آن شبی که خولی وارد منزلش شد نوبت همسرش «نوار» بود. نوار می‌گوید: وقتی خولی سر را زیر دیگ گذاشت، وارد اتاق شد تا بخوابد. به او گفتم چه خبر؟! گفت: یک چیزی برایت آوردم که بی‌نیازی روزگار در آن است. جایزه‌ای که ما بابت این خواهیم گرفت برای تمام عمرمان بس است. گفتم: آن چه چیزی است؟ گفت: سر بریده حسین بن علی بن ابیطالب عليه السلام را در این خانه آوردم. گفتم: وای بر تو! مردم با طلا و نقره از سفر بر می‌گردند تو رفتی سفر و آمدی سر بریده بچه پیغمبر خدا را آوردی. به خدا قسم دیگر من در کنار تو نمی‌مانم. از بستر بلند شدم و به منزل همسر دیگرش رفتم. او را نزد سر آوردم و به نگاه کردن این سر نشستیم. به خدا قسم ستونی از نور دیدم که از این دیگ و از این مطبخ به سوی آسمان می‌تابید و پرندگان سفیدی دیدم که در اطراف آن می‌چرخیدند. وقتی صبح شد خولی سر بریده را از منزل به سمت عیدالله عنه الله برد. نقل شده که وقتی سر را به کوفه می‌بردند، سر را در یک منطقه‌ای بین راه، روی تپه بلندی گذاشتند. روزی امام صادق عليه السلام در راه نجف از یک نقطه بلندی که یک تپه‌ای بود که کمی منحنی و کج شده بود عبور کردند. امام صادق عليه السلام آنجا ایستادند و دو رکعت نماز خواندند. وقتی از حضرت پرسیدند این دو رکعت نماز در اینجا چه مناسبتی داشت؟ حضرت فرمودند:

اینجا محل سر جدم حسین بن علی علیه السلام است. وقتی سر را می‌خواستند به کوفه ببرند، سر را لحظاتی این‌جا گذاشتند و از این‌جا برداشتند و پیش ابن‌زیاد بردند.^۱

مرحوم شیخ طوسی در امالی‌شان نقل می‌کنند که آن نقطه بلندی که در روایت امام صادق علیه السلام ذکر شده است نامش قائم مائل است. از امام صادق علیه السلام پرسیدند، حضرت فرمود: آن بلندی احتمال دارد که برای تابوت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد. وقتی علی بن ابیطالب علیه السلام را می‌خواستند دفنشان کنند از آنجا عبور دادند و آن تپه از شدت حزن و اندوه منحنی شده و به یک طرف کج شد.^۲

بنابراین یک نقل این است که چون سر بریده امام حسین علیه السلام روی آن تپه بوده و لذا در مسیر بردن سر بریده به کوفه آن تپه منحنی شده است و یک روایت هم این است که به خاطر تابوت امیرالمؤمنین علیه السلام که برای لحظاتی آنجا گذاشتند، این حالت پیش آمده است. این هم مرثیه دیگری که در مورد سر بریده حضرت در تنور منزل خولی بود.

جدا کردن سرهای شهدا

بخش دیگر از مرثیه بعد از شهادت امام حسین علیه السلام جدا کردن سرهای شهدا است. ظاهر بعضی از کتب تاریخی این است که دو نفر در همان میدان سر از بدنشان جدا شده است؛ یکی جناب حبیب بن مظاهر است، یکی هم وجود مقدس سیدالشهدا علیه السلام که در همان میدان سر از بدنشان جدا کردند و سایر شهدا را آن موقع سرهایشان را جدا نکردند و بعداً سرها را جدا کردند. عمر سعد دستور داد سرهای دیگر شهدا هم از بدن جدا شده و بین قبائل تقسیم شود. این اتفاق روز یازده محرم افتاده است که سرها را به کوفه اعزام کردند. ناگفته نماند یکی از نکاتی که در این بخش باید به آن توجه کرد این است که سر دو شخصیت هم از بدن جدا نشده است؛ یکی جناب حر بن یزید ریاحی و دوم وجود مبارک و نازنین شیرخواره امام حسین علیه السلام حضرت علی اصغر علیه السلام. سر حضرت علی اصغر علیه السلام حتی بعد از دفن از بدنشان جدا نشده است، به جهت اینکه منابع کهن تاریخی که معتبر هستند آن‌ها ذکر کردند که بدن نازنین علی اصغر علیه السلام توسط امام حسین علیه السلام در کربلا دفن شده است. اگر کسی سؤال کند که بدن مطهر حضرت علی اصغر علیه السلام کجا دفن شده است، می‌گوییم در منطقه کربلا. علی القاعده امام حسین علیه السلام در اینجا از علم غیبشان استفاده کردند و آن هم برای دفن حضرت علی اصغر علیه السلام وقتی که آن طفل شیرخواره با تیر به شهادت رسید. سیدالشهدا علیه السلام این بچه را آوردند، نماز خواندند و دفنش کردند. اینکه کجا دفن کردند، بر اساس علم غیبشان یک جایی دفن کردند که تغییر و تحولاتی که در طول زمان به وجود می‌آید خدشه‌ای به پیکر مبارک علی اصغر علیه السلام وارد نکند. در محدوده حرم دفن کردند، اما اینکه دقیقاً کجا دفن کردند معلوم نیست. اینکه بعضی نقل می‌کنند که

^۱ - تاریخ طبری، طبری، ج ۵، ص ۴۵۰. انساب الاشراف، بلاذری، ج ۳، ص ۴۱۱.

^۲ - امالی، شیخ طوسی، ص ۶۸۰.

بدن ایشان را از قبر بیرون آوردند، این در منابع خیلی ضعیف برای همین صد سال اخیر است که بعضی‌ها نوشتند برخی قبائل دنبال سر بریده بودند و کم آورده بودند و بدن حضرت علی اصغر علیه السلام را از قبر در آوردند، این‌ها در منابع متأخر است که اعتباری ندارد. اما سرهای شهدا را از بدن جدا کردند و این سرها را با اسرا به سمت کوفه فرستادند.

اینکه محل دفن سرهای شهدا کجاست، این هم اقوال زیادی دارد. برخی گفتند خود کربلا، بعضی گفتند مدینه، بعضی گفتند دمشق، بعضی گفتند یک شهری در کنار فرات به نام رقه است که از شهرهای جزیره العرب به حساب می‌آید، گفتند آنجا دفن است. بعضی گفتند در نجف دفن است، بعضی گفتند در خود کوفه، بعضی گفتند عسقلان. اما معروف‌تر و قوی‌تر از همه که بسیاری از مورخین شیعه و اهل سنت ذکر کردند این است که گفتند سرها به بدن شهدا ملحق شده است. این سرها را برگرداندند و آوردند به بدن شهدا ملحق کردند. کما اینکه شیخ صدوق می‌فرماید: علی بن الحسین علیه السلام همراه زنان از شام خارج شدند و سر حسین علیه السلام را به کربلا بازگرداند. یعنی قدر متیقن سر بریده امام حسین علیه السلام به کربلا برگشته و به بدن ملحق شده است. اما شاید سر بعضی از شهدا جاهای دیگری دفن شده باشد که این هم فقط به این مقدار که عزیزان بدانند اختلاف زیاد است. اما قول اقوی و قوی این است که سر امام حسین علیه السلام به بدن مطهرشان ملحق شده است.

حضور اهل بیت علیهم السلام در گودال قتلگاه

یکی از بخش‌های دیگر مرثیه بعد از شهادت امام حسین علیه السلام حضور خاندان امام در گودال قتلگاه است. از صحنه‌های دلخراش روز عاشورا این صحنه است که بعضی نوشتند وقتی می‌خواستند اسرا را از کربلا به سمت کوفه حرکت دهند، اسرا اصرار کردند ما را از کنار قتلگاه شهدا حرکت دهید. همین که چشم زنان بر کشتگان افتاد ناله سردادند و بر صورت‌های خود می‌زدند. راوی می‌گوید: «والله لا أنسی زینب بنت علی» بخدا قسم، زینب دختر علی را از یاد نمی‌برم که بر حسین علیه السلام ندبه می‌کرد و با صدای غم‌انگیز و دلی پر درد فریاد می‌زد: «وا محمداه صلی علیک ملیک السماء هذا حسین بالعراء» ای محمد! مالک آسمان‌ها بر تو درود می‌فرستد، این حسین توست که عریان در بیابان افتاده است. «مرمل بالدماء، مقطع الاعضاء و بناتک سبا یا» و امصیبتا که دختران تو به اسارت گرفته شدند. «الی الله المشتکی و الی محمد المصطفی و الی علی المرتضی و الی فاطمة الزهرا و الی حمزة سید الشهداء و محمداه و هذا حسین بالعراء تسفی علیه الريح الصبا» باد صبا، خاک بیابان را بر بدن حسین علیه السلام می‌پاشاند. «قتیل اولاد بقایا» حسین علیه السلام کشته شده فرزندان زنازاده است. «وا حزناه وا کرباه علیک یا ابا عبدالله، الیوم مات جدی رسول الله، یا أصحاب محمد! هولاء ذریة مصطفی

یساقون سوق السبایا»^۳ ای اصحاب پیغمبر! ببینید ذراری مصطفی، فرزندان خاندان عصمت و طهارت را ببینید که آن‌ها را به سمت اسیری می‌برند. همچنین روایت است زینب کبری صدا می‌زد: وا محمد! دخترانت اسیر و فرزندان تو کشته شدند و باد صبا خاک‌ها را بر آنان می‌پاشد. این حسین توست که سرش را از قفا بریدند، عمامه و ردای او را به غارت بردند. پدرم فدای آن کسی باد که ظهر روز دوشنبه لشکرش را غارت کردند. پدرم فدای آن کسی باد که خیمه‌های او را گسیختند، طناب‌های خیمه‌اش را قطع کردند و بریدند. پدرم فدای آن مسافر غریبی که امیدی به بازگشت او نیست. پدرم فدای آن کسی که جان من به فدای او باد. «بأبی المهموم حتی قضی» پدرم فدای کسی که دلش پر از غم و غصه بود تا از دنیا رفت. «بأبی العطشان حتی قضی» پدرم فدای آن کسی که تشنه بود تا اینکه شهید شد. پدرم فدای آن کسی که از محاسنش خون می‌چکید. پدرم فدای کسی که جدش فرستاده خدای آسمان است. پدرم فدای کسی که او نوه پیامبر هدایت است. پدرم فدای محمد مصطفی باد. پدرم فدای علی مرتضی باد. پدرم فدای خدیجه کبری باد. پدرم فدای فاطمه زهرا باد که سرور زنان جهانیان است. جانم فدای کسی که خورشید به خاطر نماز او برگردانده شد. چنان بود که دوست و دشمن گریه می‌کردند. راوی می‌گوید چنان زینب کبری می‌گفت که همه داشتند گریه می‌کردند.^۴

آخرین نمونه در این بخش اینکه حضرت سکینه علیها السلام بدن پاک پدر را در آغوش گرفت. گروهی از مردم خشن و بی‌رحم آمدند و این دختر را از بدن مبارک پدرش جدا کردند. انشاءالله اگر در جلسات بعد توفیق بود توضیحی راجع حضرت سکینه علیها السلام به محضر شریفان خواهیم داد.

خدای متعال بر توفیقات همه شما بیفزاید.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بر مشامم می‌رسد هر لحظه بوی کربلا بر دلم ترسم بماند آرزوی کربلا

^۳- لهوف، ص ۱۸۰.

^۴- لهوف، ابن طاووس، ص ۱۸۱.